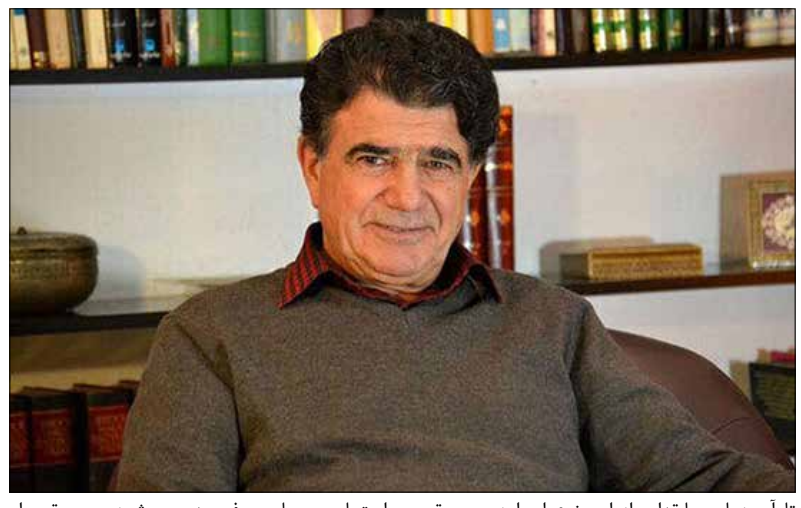
چرا «مرغ سحر» در قلب و جانمان خانه دارد؟



دی‌ماه سال۱۳۸۲ زلزله مهیبی بم را لرزاند و هزاران نفر جان خود را از دست دادند. شجریان برای کمک به زلزله‌زدگان پا پیش گذاشت و با همکاری حسین علیزاده، کیهان کلهر و همایون شجریان، کنسرت «همنوا با بم» را برگزار کرد. در این کنسرت «مرغ سحر» با فرم متفاوتی اجرا شد.

محسن گودرزی - جامعه‌شناس: دی‌ماه سال۱۳۸۲ زلزله مهیبی بم را لرزاند و هزاران نفر جان خود را از دست دادند. شجریان برای کمک به زلزله‌زدگان پا پیش گذاشت و با همکاری حسین علیزاده، کیهان کلهر و همایون شجریان، کنسرت «همنوا با بم» را برگزار کرد.در این کنسرت «مرغ سحر» با فرم متفاوتی اجرا شد.

از سال‌ها پیش، شجریان در کنسرت‌های خود تصنیف مرغ سحر را به عنوان قطعه پایانی اجرا می‌کرد و سالیان طولانی این تصنیف پای ثابت برنامه‌های او بود.

در پایان کنسرت «همنوا با بم»، حاضران در سالن، تقاضا می‌کنند که شجریان این تصنیف را اجرا کند. این بار اما یک اتفاق تازه در کنسرت روی می‌دهد و این تصنیف با شکل تازه‌ای اجرا می‌شود.

مثل همیشه، از گوشه و کنار سالن، چند نفر با صدای بلند می‌گویند مرغ سحر. رفته رفته این تقاضا فراگیر می‌شود و تعداد بیشتری به این جمع می‌پیوندند. بعضی از آنها به سوی صحنه هجوم می‌آورند و می‌خواهند از نزدیک‌ترین فاصله شجریان را ببینند و با او در خواندن تصنیف همراهی کنند.

در آن سال‌ها به تازگی موبایل‌های دوربین‌دار به بازار آمده بود، افرادی که در جلوی صحنه تجمع کرده‌اند – و گروهی از کسانی که روی صندلی‌های خود نشسته‌اند- با دوربین موبایل از این اتفاق هنری فیلم می‌گیرند.

هنوز اینترنت موبایل نیامده بود ولی تعدادی از افراد شماره تلفن یکی از عزیزان خود را می‌گیرند و مستقیم صدای شجریان را برای او پخش می‌کنند.

شور و هیجان جمعیت را در بر می‌گیرد، گروهی از شنوندگان با شجریان همخوانی می‌کنند و وقتی به آن بیت معروف تصنیف می‌رسند بخشی از جمعیت سالن همراه با شجریان از خدا و طبیعت و فلک می‌خواهند که شام تاریک‌شان را سحر کند.

فضای احساسی کل سالن را در بر می‌گیرد و تک تک حضار در این کنسرت چیزی را تجربه می‌کنند که پیش از آن سابقه‌ای در کنسرت‌های متعارف موسیقی کلاسیک یا سنتی ایران نداشته است. شجریان مانع همراهی جمعیت نمی‌شود و حتی وقتی که به مصرع معروف «ای خدا، ای فلک، ای طبیعت...» می‌رسد با حرکت دست دعوت می‌کند که با او همراهی کنند.

در موسیقی پاپ چنین الگویی رایج است اما تا آن زمان سابقه‌ای از این نوع اجرا در موسیقی سنتی دیده نمی‌شود. موسیقی ایرانی- به خصوص موسیقی آوازی- هم به لحاظ محتوا و هم از حیث فرم به گونه‌ای است که جای چندانی برای مشارکت شنوندگان نمی‌گذارد.

دو چیز است که این فرم را متمایز می‌کند. اول این که تصنیف مرغ سحر با عباراتی کلی مثل شبِ تاریک، ظلمِ ظالم، قفس، آزادی، بلبلِ پربسته و... به وضعیت مَعین و خاصی اشاره نمی‌کند ولی به خاطر همین کلی بودن، مخاطب می‌تواند آن را اعتراض به شرایط موجود تعبیر کند و آن را بیان حال خود بداند.

همین که شجریان این تصنیف را در کنسرت‌های خود تکرار می‌کرد نشان می‌دهد که او این تصنیف را به تعبیرِ خودش، دردِ زمانه و اعتراض به شرایط می‌داند. دوم آن که تغییر در فرمِ اجرا، معنای تازه‌ای را ایجاد می‌کند و شجریان از شُنوندگان دعوت می‌کند که در ساختن این معنا مشارکت کنند.

برای بیان این تغییر از عبارت «خواننده/ شنونده» و «شنونده/ خواننده» استفاده می‌کنم. مقصودم از عبارت اول این است که خواننده نقش اصلی دارد و زبان شنونده می‌شود و اعتراض او را بیان می‌کند. منظور از عبارت دوم این است که خواننده مجالی ایجاد می‌کند که شنونده نیز به صدا در آید، همراه با خواننده شود و ترکیبی واحد را شکل دهند.

اگر در موقعیت اول، نوعی جدایی بین خواننده و شنونده وجود دارد و شنونده نقش منفعل دارد، در موقعیت دوم، شنونده فعال است و در کنار خواننده صاحب صدا می‌شود.

آثار شجریان در بیشتر موارد از پدیده‌ای صرفاً هنری فراتر می‌روند و دلالت‌های اجتماعی سیاسی دارند. شجریان همواره در متن و زمینه‌ای اجتماعی سیاسی فهمیده می‌شود. موسیقی او حتی آن هنگام که نوای عاشقانه سر می دهد، باز هم مستعد چنین تعابیری است.

در اغلب موارد، بحث از شجریان به نقش‌های اجتماعی و سیاسی او کشیده می‌شود. کمتر می‌توان نوشته یا بحثی را درباره شجریان پیدا کرد که از تفسیرهای سیاسی اجتماعی خالی باشد. در عین حال، این نکته را نباید از نظر دور داشت که آثار شجریان چنان تنوعی دارد که هر گروه یا سلیقه می‌تواند خود را در آن بیابد.

او در طول چندین دهه در فراز و نشیب تحولات فرهنگی اجتماعی با مردم بوده و آثارش ترجمان حالات و تجربه‌های متنوع اجتماعی است.

به خاطر همین تنوع آثار است که تقریباً هرکس می‌تواند تصویری را که دوست دارد، از او بسازد. دینداران، ربنا و مناجات او را می‌پسندند، دیگرانی اعتراض او را به شرایط برجسته می‌کنند، برخی او را شجریان «بیداد» و انقلابیون و میهن‌دوستان، «ایران ای سرای امید» را ندای آرمان‌گرایی انقلاب می‌دانند، آنها که عارفند شجریان را در «ملکا ذکر تو گویم» می‌یابند و آنها که عاشقند، شجریانِ باباطاهر و شجریانِ «شب، سکوت، کویر»و این جریان ادامه دارد تا به «تفنگت را زمین بگذار» می‌رسد.

در همه این تجربه‌های متفاوت، شجریان زبانِ حال و نیازِ گروه‌های اجتماعی مختلف است. اینَ وضعیت، مَوقعیت «خواننده/ شنونده» را تولید کرده یعنی خواننده زبانِ شنونده است. او در مقام سخنگوی گروه‌های اجتماعی، خواست‌ها و آلام آنها را به زبان موسیقی بیان می‌کند.

در کنسرت «همنوا با بم» این موقعیت تغییر کرد و شجریان از شنوندگان می‌خواهد که در اجرای بخشی از تصنیف با او همراهی کنند. به ویژه در آن بخش از تصنیف که خصلت اعتراضی بارزی دارد.

جمعیت با خواننده همراه می‌شود. خواننده نیز این نقش خود را واگذار می‌کند و از دوگانه «خواننده/ شنونده» فراتر می‌روند و الگوی «شنونده/ خواننده» را بر می‌سازند. این بار شجریان و شنوندگان «یک صدا» می‌شوند، خواننده به جای این که صدای آنان شود، به آنان صدا می‌دهد.

جالب است که اجرای تصنیف مرغ سحر در کنسرت‌های شجریان چنان جا افتاده بود که مخاطبان کنسرت تخطی از آن را حتی برای شجریان نمی‌پذیرفتند. شجریان چند سال بعد در کنسرت «غوغای عشق‌بازان» در دو شب اول، مرغ سحر را اجرا نکرد و به جای آن تصنیف دیگری را اجرا کرد؛ جمعیت هر چه درخواست کرد، مرغ سحر را اجرا نکرد. بخشی از جمعیت حاضر در کنسرت در حال ترک سالن، - شاید به اعتراض و گلایه- ترانه «یار دبستانی» را با هم خواندند.

شجریان در شب‌های بعد تحت فشار تقاضای مردم «مرغ سحر» را اجرا کرد. این بار کل سالن با خواننده همصدا شد؛ کل جمعیت به خواننده تبدیل شد.

این بار خواننده تنها زبانِ بیانِ حال شنوندگان نبود بلکه شنوندگان خود به سخَن درآمدند. این یک تحول مهم در فرم کنسرت موسیقی کلاسیک ایرانی است که گمان می‌کنم فقط در کنسرت‌های شجریان روی داده است. این تغییر فرم به تدریج در کنسرت‌های شجریان شکل گرفت.

یک احساس و نیاز عمومی وجود داشت که شجریان به آن امکان بیان موسیقیایی داد. تغییری که با نگرش‌های سیاسی اجتماعی او هم سازگار بود و اگر دقیق‌تر بگوییم این همان دیدگاه‌های شجریان درباره زمانه خود است که با تغییر فرم بیان می‌شود.

از این رو، اگر خواننده‌ای بخواهد نقش او را ایفا کند، فقط اجرای مرغ سحر کفایت نمی‌کند، پیش از آن هنرمند باید در کنار و با مردم باشد و روح زمانه و آلام آنان در آثار وی بازتاب یافته باشد که بتواند چنین نقشی را ایفا کند.

چنین نقشی در طول زمان و به تدریج ساخته می‌شود آن چنان که تصنیف مرغ سحر هم در طول زمان و به تدریج به این شکل در آمد. این تغییر فرم را نمی‌شود فقط از دید هنری تحلیل کرد بلکه آن را باید در مسیر تحول زندگی و نگرش هنرمند در زمینه تغییرات اجتماعی دید؛ هنرمندی همصدا با مردم و همنوا با ایران.

این متن پیش از این در وب‌سایت انجمن جامعه‌شناسی ایران منتشر شده بود که به مناسبت درگذشت استاد محمدرضا شجریان در پنجره بازنشر شد.

کتاب خاطرات امیر عبداللهیان با نام «صبح شام» رونمایی شد

آئین رونمایی از کتاب «صبح شام، روایتی از بحران سوریه خاطرات دکتر حسین امیرعبداللهیان» پیش از ظهر روز دوشنبه ۲۱ مهر ۱۳۹۹ با حضور حسین امیرعبداللهیان، محمدمهدی دادمان، رئیس حوزه هنری انقلاب اسلامی، زینب سلیمانی، فرزند سردار رشید اسلام شهید حاج قاسم سلیمانی، محسن مؤمنی شریف، رئیس پیشین حوزه هنری، حجت‌الاسلام والمسلمین سعید فخرزاده، مشاور در حوزه فرهنگ و مطالعات پایداری مراکز استانی حوزه هنری، برگزار شد.

«صبح شام» به دستور سردار سلیمانی شکل گرفت

حسین امیرعبداللهیان سخنان خود در این آئین را با گرامیداشت یاد و خاطره سالار شهدای مقاومت سردار شهید حاج قاسم سلیمانی و یاران و اصحابش آغاز کرد. وی گفت: سردار شهید حاج قاسم سلیمانی در اوج بحران‌ها و فشارهای کاری هیچ‌گاه از جزئیات نیز غافل نمی‌شدند و این برداشت من از شخصیت ایشان پس از دو دهه آشنایی است. وی افزود: کمتر از یکسال قبل از آسمانی شدن سردار سلیمانی، ایشان در یکی از دیدارهایمان فرمودند که: من به دلیل ملاحظات و همچنین مشغله‌هایم فرصتی برای بیان خاطراتم ندارم، هرچند که در دهها دفتر هرآنچه را که در سال‌های مسئولیتم رخ داده، نوشته و مکتوب کرده‌ام. شما هرچقدر که در توان دارید خاطرات و دریافت‌هایتان از سوریه را بنویسید و برای نسل‌های بعدی به یادگار بگذارید.

امیرعبداللهیان ادامه داد: در کلام سردار سلیمانی بود که شهادت‌ها، شهامت‌ها، شجاعت‌ها و حتی خیانت‌ها را هر مقدار که می‌توانی به تصویر بکش تا نسل‌های جدید بدانند که چه اتفاقاتی افتاد و چه ایثارگری‌هایی در منطقه شکل گرفت. به همین دلیل نیز از بانو زینب سلیمانی خواهش کردم که چون «صبح شام» با دستور و نظر سردار به سرانجام رسیده است ما آئین رونمایی از این کتاب را در بنیاد مرتبط با سردار برگزار کنیم. این رونمایی همزمان شده است با تدفین پیکر هفت شهید از شهدای خان طومان که تا چندی پیش گمنام بودند و این خود گواه دیگری است بر رشادت‌های صورت گرفته در سوریه.

وی در بخش دیگری از سخنان خود با تشکر از انتشارات سوره مهر برای انتشار کتاب «صبح شام» گفت: نیت اولیه من بر انتشار این کتاب در انتشارات وزارت امور خارجه بود. اما آقای محسن مؤمنی شریف توصیه کرد که چون این کتاب باید مخاطب عام و مخاطب خاص را باهم جذب کند، بهتر است که در حوزه هنری منتشر شود، چرا که انتشارات وزارت امورخارجه معمولاً مخاطب خاص دارد. از آقای محمد مهدی دادمان هم که پس از شروع مسئولیت‌شان در حوزه هنری تمام تلاش خود را به کار بردند تا کار به نتیجه برسد، کمال تشکر را دارم.

امیرعبداللهیان در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به این نکته که بخش مهمی از ناگفته‌های بحران سوریه در «صبح شام» روایت شده است، گفت: شاید بسیاری از مطالبی را که نمی‌شد مطرح کرد، در این کتاب درج شده است. با در بحران سوریه این اوصاف البته ملاحظاتی در حوزه سیاست خارجی بود که باعث شد بخشی از مطالب مصاحبه‌ها در آرشیو حوزه هنری حفظ شوند، چرا که فعلاً قابل انتشار نبودند. از فرصت حضور در این بنیاد استفاده کرده و یک نسخه از کتاب را به زینب سلیمانی به نمایندگی از خانواده سردار شهید تقدیم می‌کنم.

بحران‌های منطقه با مجاهدت سردار سلیمانی حل و فصل شد

محمد مهدی دادمان نیز در این آئین گفت: پیش از هرچیز تشکر می‌کنم از دکتر امیرعبداللهیان، آقای مؤمنی شریف و حجت‌الاسلام فخرزاده برای به سرانجام رساندن کتاب «صبح شام». ما امروز بحمدالله از یک روایت معتبر حول یکی از اصلی‌ترین مسائلی که در دهه اخیر در منطقه ما رخ داد، رونمایی می‌کنیم.

وی افزود: بحران‌هایی که در منطقه شکل گرفت به مجاهدت شهدای مقاومت در ایران، عراق، سوریه و لبنان حل و فصل شد و به سرمنزل مقصود رسید. دیدن ابعاد این روایت اهمیت راهبردی برای ما دارد. به همت دکتر امیرعبداللهیان و دیگر کسانی که در میدان حاضر بودند، این روایت محقق شده و ان‌شاالله نقطه شروعی باشد برای روایت بحران سوریه توسط دیگر عزیزانی که در متن بحران حاضر بودند.

دادمان ادامه داد: انشالله به برکت بنیاد شهید سلیمانی و با روایت ابعاد گوناگون حضور سردار در میدان مقاومت چه سیاسی و چه نظامی، همچنین با شرح وجوه شخصیتی ایشان و همراهانش، ابعاد مکتب حاج قاسم سلیمانی که آن گونه که حضرت آقا فرمودند مورد نیاز ما و منطقه است، روشن شود و برای مخاطبان رقم بخورد. ان‌شاالله حوزه هنری هم تمام همت خود را برای روایت دقیق از مکتب حاج قاسم سلیمانی و ابعاد بین‌المللی مجاهدت ایشاو همراهان و همرزمان‌شان، به کار گیرد.

هنوز هم حجم رشادت‌های ایرانیان در سوریه مشخص نشده است

محسن مؤمنی شریف، رئیس پیشین حوزه هنری یکی دیگر از سخنرانان این آئین رونمایی بود. وی در بخشی از سخنان خود گفت: گرامی می‌دارم یاد و خاطره سردار پرافتخار اسلام شهید حاج قاسم سلیمانی و یارانش را. گرامی می‌دارم افتخارات بزرگی که این بزرگواران آفریدند و متأسفانه هنوز هم حجم این افتخارات برای من روشن نشده است. باید در هر فرصتی برای روایت فتح‌ها و پیروزی‌ها استفاده کرد. اگر حضور سردار و یارانش در سوریه رخ نمی‌داد، وضعیت امروز ما معلوم نبود.

وی افزود: مقام معظم رهبری در یکی از دیدارهای خود نکته مهمی را به حاضران فرمودند که اگر ما امروز در سوریه و عراق دفاع نمی‌کردیم و برابر تکفیری‌ها ایستادگی نمی‌کردیم، باید در شهرهای خودمان با آنها می‌جنگیدیم. هنوز اتفاقات حضور در سوریه برای مردم ایران و جهان اسلام روشن نشده است. به هر حال بخشی از این اتفاقات در حوزه دیپلماسی است.

مؤمنی شریف ادامه داد: خاطرات دیپلمات‌های کشورها پس از پایان ماموریت‌شان معمولاً منتشر می‌شوند، اما در ایران این کار کمتر معمول است. ما برای دفاع از حقیقت باید به سراغ انتشار خاطرات دیپلمات‌ها برویم. کاری که امیرعبداللهیان با همت حجت‌الاسلام فخرزاده انجام داد از این جهت بی‌مانند است. متأسفانه ما در حوزه کشورهای منطقه و جهان اسلام نتوانستیم از خودمان دفاع کنیم، به همین دلیل شاهد هستیم که دیگران و غربی‌ها روایت خود از این کشورها را در جهان سوار کردند. ما شاهد هستیم که در کشورهای منطقه، دیگرانی که کمتر از ما مؤثر بوده‌اند، اکنون حوزه‌های فرهنگی را در دست گرفته‌اند.



روایتی دیپلماتیک از بحران سوریه

حجت‌الاسلام فخرزاده نیز در این آئین گفت: «صبح شام» روایتی دیپلماتیک از بحران سوریه است. ما تاکنون با روایت‌های گوناگونی از حوادث سوریه مواجه بوده‌ایم، اما نیاز داریم تا یک روایت و یک نگاه کلی از حوادث و همچنین نقش جمهوری اسلامی ایران در بهبود این بحران را داشته باشیم. ما باید به این سوالات پاسخ دهیم که چرا جمهوری اسلامی ایران در مساله سوریه شرکت کرد؟ فضای کلی بحران سوریه چه بوده است و پایان این بحران چگونه رقم خورد؟

وی افزود: پاسخ سوالاتی را که مطرح کردم همگی در کتاب «صبح شام» وجود دارد. در بحران سوریه امیرعبداللهیان به عنوان مدیر ارشد سیاسی منطقه سمت داشته است. او کاملاً به حوادث سوریه اشراف داشته و تمام مذاکرات سیاسی نیز با نظارت او انجام شده است. بنابراین امیرعبداللهیان بهترین شخصیتی بود که می‌توانست روایتی دسته اول از بحران سوریه را به دست دهد.

حجت‌الاسلام فخرزاده ادامه داد: بیش از یکسال و نیم پیش بود که با راهنمایی محسن مؤمنی شریف برای ثبت روایت امیرعبداللهیان به سراغش رفتیم. حدود ۱۳ جلسه هم مصاحبه‌ها طول کشید و متنی فراهم آمد و در اختیار نویسنده اثر محمدحسین مصحفی قرار گرفت. او متن را با مستندات دیگر تطبیق داد و جلسات تکمیلی مصاحبه را پیشنهاد داد که انجام شد. در نهایت پس از رفت و برگشت‌های بسیار متن نهایی به سرانجام رسید. «صبح شام» روایت جامعی است از بحران سوریه. روایتی که پیش از این کتاب از منظر ایرانیان در اختیار مخاطبان قرار نگرفته بود.

در پایان این مراسم نسخه‌ای از کتاب توسط دکتر حسین امیرعبداللهیان تقدیم زینب سلیمانی شد و تمامی سخنرانان لوح یادبود این آئین رونمایی را امضا کردند.

حفظ زبان فارسی ضرورتی انکارناپذیر است

مهران اسکندریان وابسته فرهنگی و رئیس خانه فرهنگ ایران در پیشاور با شاهین عمر رئیس دانشکده دولتی دخترانه سیتی گلبهار شهر پیشاور و طاهره جمال دار، استاد زبان و ادبیات فارسی دانشکده مذکور دیدار و گفت‌وگو کرد.

شاهین عمر در این دیدار با ارایه گزارشی به صورت نمایش فیلم مستند از تاریخچه و فعالیت‌های دانشکده، به ویژه حوزه آموزش زبان و ادبیات فارسی گفت: با تکیه و افتخار به مشترکات بی شمار دو کشور برادر، این دیدار را به فال نیک گرفته و امیدواریم برای ارتقای روابط فرهنگی و علمی دانشگاهی با همکاری و همدلی مشترک بتوانیم گام‌های بلندی در این زمینه برداریم.

رئیس دانشکده دولتی دخترانه با ستودن فرهنگ و تمدن غنی ایران اسلامی و شیرینی و امتیازات زبان فارسی نسبت به دیگر زبان‌های دنیا، اشاره کرد: متأسفانه سلطه انگلیسی‌ها بر شبه قاره موجب به حاشیه رفتن و کم رنگی زبان هویتی پاکستان شده، اما دانشگاهیان و دلسوزان زبان فارسی با تدریس و ترغیب دانشجویان برای حفظ این دُر گرانقدر، از هیچ تلاشی فروگذار نخواهند کرد.اسکندریان نیز در این دیدار طی سخنانی، ضمن قدردانی از اهتمام ویژه این دانشکده در فروزانی زبان فارسی گفت: جغرافیای بدون مرز فرهنگی ایران و پاکستان، استواری و تلاش اساتید گرانقدر و دوستداران واقعی زبان و ادبیات فارسی، برای همیشه پرچم زبان پارسی را برافراشته خواهند داشت. رئیس خانه فرهنگ ایران در پیشاور افزود: با حفظ این میراث گرانبهای درهم تنیده در دل‌های مردمان فرهیخته دو کشور، چراغ پارسی تا ابد روشن خواهد ماند. وی ادامه داد: انتخاب اختیاری زبان فارسی توسط دانشجویان این دانشکده، نشانگر ارج نهادن به هویت و ارزش‌های گرانقدر پیشینیان، شناخت پیشینه زبانی، بازخوانی اصالت و گذشته گرانسنگ خود است. اسکندریان گفت: بطور یقین برگزاری کلاس‌های زبان و ادبیات فارسی در شناخت بیشتر قشر فرهیخته و تحصیل کرده جامعه در ارتقای دوستی، صمیمیت، حفظ میراث مشترک و مشاهیر پارسی گوی دو کشور نقش بسزایی خواهد داشت.

اخبار

مرجانه گلچین در آی فیلم

گلچینی از مرجانه گلچین



این شب ها شاهد حضور و بازی متفاوت مرجانه گلچین در سریال «نفس گرم» محمد مهدی عسگرپور هستیم که از شبکه آی فیلم بازپخش می شود. نقشی کاملا متفاوت از اغلب نقش های قبلی این بازیگر که نشان می دهد به همان اندازه که در ایفای نقش های کمدی توانمند است، از پس نقش های جدی هم برمی آید.

به گزارش امتیاز؛ سیدرضا صائمی، منتقد سینما و تلویزیون در همین باره در گزارشی برای آی فیلم نوشته است:

مرجانه گلچین از آن دست بازیگرانی است که بسیاری از آثارش از شبکه آی فیلم پخش شده. «بزنگاه»، «خوش نشین ها»، «زوج یا فرد» و «سه دونگ سه دونگ» از جمله سریال هایی هستند که از آی فیلم بازپخش شد و مرجانه گلچین در آن حضور پررنگی داشت.

طبق نظرسنجی سایت آی فیلم که مدتی پیش در سایت این شبکه صورت گرفت، مجموعه تلویزیونی طنز «خوش‌نشین‌ها»، به عنوان بهترین سریال خانم مرجانه گلچین انتخاب شد و مخاطبان، نقش او را در این سریال به عنوان بهترین بازی او از میان گزینه‌های اعلامی در نظرسنجی انتخاب کردند. در نتایج به دست آمده، سریال «خوش‌نشین‌ها» با تصاحب نزدیک به نیمی از آرا (۴۹,۱۱ درصد) به عنوان محبوب‌ترین سریال مرجانه گلچین از نگاه مخاطبان شبکه آی‌فیلم انتخاب شد؛ و پس از آن، سریال «بزنگاه»، مجموعه تلویزیونی «خوش‌نشین‌ها»، مجموعه طنز «زوج یا فرد» و در نهایت سریال طنز «سه‌دونگ، سه‌دونگ» در رده‌های بعدی قرار گرفتند.

در واقع کاراکتر «آفاق» در خوش نشین ها به عنوان محبوب ترین نقشی که مرجانه گلچین در آن بازی کرده، برگزیده شده است. چنانچه این نقش و برخی دیگر از نقش های مشابهی را که مرجانه گلچین بازی کرده و رگه های طنز و کمدی آن پررنگ است، کنار هم قرار دهیم، می توانیم به درکی اجمالی از شمایل و نشانه شناسی بازیگری او و در واقع رمز این محبوبیت برسیم.

واقعیت این است که مرجانه گلچین را می توان از معدود کمدین های زن دانست که شیوه بازی و طنازی های خاص خودش او را در این حوزه برجسته کرده است. نه فقط در ایران که در جهان هم کمتر با کمدین زن مواجه هستیم که این شاید به دلایل روانشناختی شخصیت زنانه برگردد تا دلایل دراماتیک. مرجانه گلچین با تکیه بر دو توانمندی طنز کلامی و بدنی توانسته موقعیت های کمیک خوبی خلق کند که انگار ویژگی خاص اوست.

او با نوع و لحن حرف زدنش که در آن حرص خوردن و گاه عصبیت وجود دارد و استفاده درست از میمیک صورتش به ویژه بازی های چشمی توانسته یک تیپ کمدی خاص خود را خلق کند که اگرچه در چند اثر آن را تکرار کرده اما هنوز تکراری نشده و جذابیت خود را از دست نداده است. او اغلب در نقش مادر و همسر بازی کرده و از مولفه های فردی و اجتماعی همین نقش ها در بازآفرینی تیپ مورد نظر خود بهره برده است.

جالب اینکه او در برهه اول دوران بازیگریش در دهه ۶۰ و ۷۰ که با یک وقفه همراه شد، هیچ نقش کمدی و طنزی نداشته و با بازگشت دوباره با سریال «بزنگاه» سویه دیگری از بازیگری خود را نمایان کرده و در واقع یک پوست اندازی در بازیگری را تجربه کرده است. البته او بعد از سال ۱۳۷۴ تا سال ۱۳۸۳ که از سینما و تلویزیون فاصله گرفت و بعد از بازگشت، برای اولین بار در سریال «کلانتر» بازی کرد، اما با بازی متفاوتش در «بزنگاه» بار دیگر در کانون توجه قرار گرفت.

بیشترین نقشی که از او قبل از «بزنگاه» و دوره جدید بازیگری اش به یاد می آوریم، در سریال «آینه» غلامحسین لطفی بود که در سال ۶۴ از شبکه یک پخش می شد و در سال ۹۵ هم از شبکه آی فیلم بازپخش شد. شبکه آی فیلم علاوه بر این آثار، سریال «آرماندو» و «راه در رو» را هم پخش کرده که مرجانه گلچین در آنها بازی کرده است. به عبارت دیگر شبکه آی فیلم، دوره های مختلف بازیگری مرجانه گلچین و نقش های جدی و کمدی او را به روی آنتن برده که برای مخاطب پیگیر آی فیلم می تواند فرصتی برای مرور آثار و تامل در شیوه بازیگری او باشد.

علاوه بر این مرجانه گلچین در سال ۹۶ مهمان برنامه «عیدانه» شبکه آی فیلم هم بوده است و حالا در نظر سنجی اخیر محبوبیت او نزد تماشاگران این شبکه هم سنجیده شده که نشان می دهد یکی از بازیگران محبوب مجموعه های نمایشی تلویزیون است که نقش های کمدی و طنازانه او بیش از نقش های جدی مورد توجه مخاطب قرار گرفته است. در واقع نتایج این نظرسنجی نشان می دهد مردم او را بیشتر در نقش های کمدی با همه تیپ سازی ویژه خودش بیشتر می پسندد. گرچه این به معنای نفی بازی ها و نقش های جدی او نیست.

جالب اینکه این بازیگر ۵۱ ساله، علاوه بر بازیگری تجربه گویندگی رادیو و دوبله هم داشته و فارغ التحصیل رشته کارگردانی از دانشگاه سوره است. او که به موسیقی علاقه داشت با تشویق خواهرش منیژه که آن زمان بازیگر بود به بازیگری در تئاتر پرداخت و مسیرش به بازیگری تغییر کرد.

اخبار

«پس از باران» در آی‌فیلم

بنابه‌درخواست مخاطبان آی‌فیلم مبنی‌بر تغییر ساعت پخش سریال «پس از باران»، این سریال در باکس ساعت ۲۰ کانال فارسی قرار می‌گیرد.

به‌گزارش امتیاز، مجموعه تلویزیونی «پس از باران» که قرار بود ساعت ۲۲ هر شب روی آنتن برود، از جمعه ۲۵ مهر، هر شب ساعت ۲۰ پخش خواهد شد. این سریال به‌یادماندنی به‌کارگردانی سعید سلطانی در سال ۱۳۷۹ روی آنتن رفت و پس از آن چند بار بازپخش شده است. آی‌فیلم نیز بازپخش این سریال را از اولین روز آخرین هفته مهر از سر می‌گیرد. «پس از باران» هر شب ساعت ۲۰:۰۰ پخش و در ساعت‌های ۰۴:۰۰ و ۱۲:۰۰ تکرار می‌شود.

داریوش فرهنگ با «راه شب» به آی‌فیلم می‌آید

مجموعه تلویزیونی «راه شب» به‌کارگردانی داریوش فرهنگ و با بازی ناصر ممدوح از شنبه ۲۶ مهر روی آنتن آی‌فیلم فارسی می‌رود.

به‌گزارش امتیاز، پخش مجموعه تلویزیونی پربیننده «راه شب» ساخته داریوش فرهنگ، قرار است از شنبه در آی‌فیلم فارسی آغاز شود. داستان این مجموعه درباره زندگی مجری برنامه رادیویی «راه شب» با بازی ناصر ممدوح است که به‌واسطه تماس‌های تلفنی مخاطبان برنامه با او، به‌تدریج به زندگی مخاطبان وارد شده و سعی می‌کند حلال مشکلات هر یک از آن‌ها باشد. علاوه بر ناصر ممدوح، شیوا خنیاگر، داریوش فرهنگ، استاد محمدعلی کشاورز، مارال فرجاد، سارا خوئینی‌ها، سیدمهرداد ضیایی، گلاره عباسی، شبنم مقدمی و... نیز در این سریال اپیزودیک ایفای نقش کرده‌اند.«راه شب» محصول سال ۱۳۸۴ گروه فیلم‌وسریال شبکه سه سیما، این بار از آی‌فیلم هر روز ساعت ۱۶ روی آنتن می‌رود. علاقه‌مندان می‌توانند بازپخش این مجموعه را در ساعت‌های ۱۲ شب و ۸ صبح تماشا کنند.

هدیه آی فیلم برای ماه ربیع الاول؛

نقی و هما به «پایتخت» می‌آیند

پخش سریال طنز و پرطرفدار «پایتخت» بار دیگر از آی‌فیلم آغاز می‌شود.

به‌گزارش امتیاز، مجموعه طنز «پایتخت» با آغاز ماه ربیع مهمان خانه‌های آی‌فیلمی‌ها در سراسر کشور می‌شود.بر اساس این گزارش، قرار است این مجموعه شش‌فصلی، که درباره ماجراهای یک خانواده مازندرانی است، پشت‌سر هم برای طرفدارانش در آی‌فیلم به نمایش گذاشته شود. اولین فصل «پایتخت» به‌کارگردانی سیروس مقدم و نویسندگی محسن تنابنده، در نوروز سال ۱۳۹۰ از شبکه یک سیمای جمهوری اسلامی ایران پخش شد. محسن تنابنده در نقش نقی معمولی، ریما رامین‌فر در نقش هما سعادت، علیرضا خمسه در نقش باباپنجعلی، احمد مهرانفر در نقش ارسطو عامل، سمیرا حسن‌پور، سارا و نیکا فرقانی اصل بازیگران اصلی فصل اول پایتخت بوده‌اند.«پایتخت۱» از یکشنبه ۲۷ مهر هر شب ساعت ۲۱:۰۰ راهی آنتن می‌شود و بازپخش آن در ساعت‌های ۰۵:۰۰ و ۱۳:۰۰ روز بعد خواهد بود.

با جواد افشار به‌بهانه بازپخش «کیمیا» از آی‌فیلم

انتخاب بازیگر نقش کیمیا ۱۵ ماه طول کشید

جواد افشار کارگردان سریال «کیمیا» که این شب ها روی آنتن شبکه آی فیلم است درباره فرایند انتخاب بازیگر نقش کیمیا گفت: انتخاب بازیگر برای این نقش، ۱۵ ماه زمان برد.

به‌گزارش امتیاز، جواد افشار کارگردان سریال «کیمیا» درباره این سریال با آی‌فیلم به گفت‌وگو پرداخت.

جواد افشار تجربه‌های منحصربه‌فردی در سریال‌سازی داشته و کم نیستند در کارنامه کاری او که مخاطب را پای تلویزیون نشانده است. از معروف‌ترین سریال‌های ساخت این کارگردان توانمند می‌توانیم به «پول کثیف»، «برادر»، «آنام»، «مادرانه» و «کیمیا» اشاره کنیم؛ اما متفاوت‌ترین تجربه جواد افشار با سریال ضدجاسوسی «گاندو» شکل گرفت. جواد افشار چند سال پیش اولین سریال اجتماعی صدقسمتی تلویزیون را به نام «کیمیا» ساخت که سروصدای زیادی به پا کرد.

وی با اشاره به اینکه مسعود بهبانی‌نیا نویسنده اصلی سریال، داستان کیمیا را بر اساس زندگی واقعی خودش نوشته است، افزود: منتها مسعود بهبانی‌نیا نفر اصلی داستان را یک دختر قرار داد. زمانی که فیلمنامه اولیه سریال کیمیا به دستم رسید، حدود چهارصدپانصد صفحه نوشته شده بود. من خواندم و فیلمنامه جذبم کرد طوری که از همان ابتدا مطمئن بودم کیمیا سریال خوبی می‌شود.

افشار «کیمیا» را به این دلایل سریال موفقی دانست: مخاطب امروز تلویزیون، باهوش است و به‌راحتی هر سریالی را برای دیدن انتخاب نمی‌کند. زمانی که برای بار اول سریال پخش شد، مخاطب ۷۰درصدی داشت و این یعنی این سریال موفق بود. من فکر می کنم که تکرار آن هم در شبکه آی‌فیلم مخاطب دارد.

کارگردان «کیمیا» خاطرنشان کرد: این را هم می‌گویم که کیمیا سریال بی‌عیبی نبوده و نقاط ضعفی هم دارد. اما نقاط قوت این سریال از نقاط ضعفش بیشتر است. افرادی بودند که سال‌ها بود دیگر سریال‌های تلویزیون را نگاه نمی‌کردند؛ اما با پخش کیمیا با تلویزیون آشتی کردند و کیمیا را دیدند.

وی با بیان اینکه هر نوع آدمی با این سریال همزادپنداری می‌کرد زیرا شخصیت‌های مختلفی در سریال وجود دارند که هر کدام به نوعی خاکستری بودند و مخاطب، خوبی و بدی یک شخصیت را با هم می‌دید، تأکید کرد: شخصیت‌های سریال کیمیا از بطن جامعه بودند و گویا مخاطب خودش را در این سریال جست‌وجو می‌کرد.